

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه دادگاری دعوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد -	
Date	۱۳۶۲ / ۴ / ۸
	29 JUN 1984
No.	476

پرونده شماره ۴۷۶
شعبه دو
حکم شماره ۲ - ۴۳ - ۴۷۶ آی.تی.ا.ل.

آیتل اینترنشنال کورپوریشن ،

خواهان ،

- و -

سازمان تامین اجتماعی ایران ،

جمهوری اسلامی ایران و

بانک ایران و خاورمیانه ،

خواندگان .

قرار اعدادی

حاضران :

ازطرف خواهان : آقای جانتن بلک من ،
وکیل خواهان

ازطرف خواندگان : آقای محمدکریم اشراق ، نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای اکبر شیرازی ، مشاور حقوقی نماینده روابط ایران

آقای حسن شیخ الاسلامی ، نماینده خواندگان تامین

اجتماعی ،

آقای محسن کاکاوند ، نماینده خواندگان تجارت ،

سایر حاضران : آقای جان کروک ، نماینده روابط ایالات متحده آمریکا

اول - ادعای

خواهان، آیتل اینترنشنال کورپوریشن ("آیتل")، دادخواستی علیه سازمان تامین اجتماعی ایران، جمهوری اسلامی ایران و بانک ایران و خاورمیانه در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۸۲ (۱۳۶۰ دیماه) به ثبت رساند، خواسته دعوی، از جمله، شامل این درخواست بود که دیوان داوری اعلام نماید که خواهان، تعهدات خود را طبق قرارداد فروش ادونسد سیستم آند ایکوئیپمنت ("قرارداد فروش") که با سازمان تامین اجتماعی منعقد شده، تاماً ایفاء کرده است، و نیز اعلام کند که خواهان و شرکت فرعی تحت کنترل آن، آی.ام.ئی.سی. انجینیرینگ سرویسز کا مبنی لیمیتد، ("ایمک") طبق قرارداد تعمیر منعقد فیما بین آیمک و سازمان تامین اجتماعی در قبال خواندگان هیچگونه تعهد دیگری نداشته و نیز قرارداد مجبور باید ملغی محسوب شود. خواهان همچنین درخواست کرده که دیوان داوری با صدور دستوری، خواندگان را به ابطال و آزاد کردن ضمانت نامه‌ها و ضمانتهای متقابلی که طبق دو قرارداد یا دشده تعهدات آیتل و آیمک را تضمین کرده، ملزم نماید، و همچنین از دیوان داوری خواسته است که اعلام نماید اقدام خواندگان در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۸۱ (۱۵ دیماه ۱۳۵۹) جهت مطالبه پرداخت، طبق ضمانت نامه‌ای متقابل، نقض موافق نامه‌ای مجبور بوده و باطل و بلا شر می‌باشد.

سازمان تامین اجتماعی در لایحه دفاعیه ایکه در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۲ (۲۲ آذرماه ۱۳۶۱) به ثبت رساند، از جمله استدلال کرد که هم در قرارداد فروش و هم در قرارداد تعمیر پیش‌بینی شده است که کلیه اختلافات باید توسط محاکم ایران حل و فصل شود و بنابراین دیوان داوری صلاحیت رسیدگی به ادعای آیتل را ندارد.

جلسه استماعی منحصر "جهت بررسی این موضوع مقدماتی مربوط به صلاحیت در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۸۴ (۱۰ بهمن ماه ۱۳۶۲) برگزار شد و نمایندگان هردو طرف در آن جلسه حضور یا فتند.

دوم - ما هیت دعوی

الف - قراردا دفروش

ما ۱۳۵۰ (و) قراردا دفروش منعقده فيما بين آیتل و سازمان تامین اجتماعی به شرح زیر مقرر می دارد:

"این قراردا دتاب قوانین ایران خواهد بود و بر طبق قوانین ایران تعبیر خواهد شد و محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به هرگونه اختلاف نظر یا ادعایی را خواهند داشت که از این قرارداد ناشی گردد..."

بند ۱ ماده دوم بیانیه حل و فصل دعاوی فقط "ادعا های ناشی از قراردادها تعهدآور" فيما بین که در آن قراردا دها مشخصاً رسیدگی به دعاوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاه های صالحه ایران ... باشد" ، را خارج از صلاحیت دیوان داوری دانسته است (تاكیدا تا فهشده است) . دیوان داوری پیوسته با توجه به قواعد حاکم بر تفسیر معاهدات فيما بین دولتها این شرط بیانیه حل و فصل دعاوی را تفسیر و اعمال کرده است (رجوع شود به قرار اعدادی شماره آی . تی . ال . - ۶ - ۱ . اف . تی . (گیز اندهیل ، اینکورپوریتد علیه شرکت تولید و انتقال نیروی ایران و سایرین) مورخ ۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۴ آبان ۱۳۶۱)؛ قرار اعدادی شماره آی . تی . ال . - ۶۸ - ۳ - ۱۷ . تی (هـاورد نیدلز تامن اند برگندوف علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین) مورخ ۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱)؛ و قرار اعدادی شماره آی . تی . ال . - ۵۱ - ۲ - ۱۷ . تی ، بخش سوم (هـالیبرتون کامپنی و سایرین علیه دورین / ایمکو و سایرین) مورخ ۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) . همانطوری که در قرار اعدادی شماره آی . تی . ال . - ۵۱ - ۲ - ۱۷ . تی . تصریح شده ، "صلاحیت دیوان داوری منحصر" متبوع از مفاہیه است" . بنا بر این دیوان داوری نه وارد مسئله قصد طرفین اختلاف ، اعم از قصد واقعی یا ضمنی و یا فرضی آنها در مورد قید حل و فصل اختلافات مندرج در قرارداد و نه وارد عوامل ارتباطی فيما بین نجام تعهدات مندرج در قرارداد و ملاحت یک کشور

معین و اوضاع و احوالی که قرارداد تحت آن منعقد گردیده، شده است. دیوان داوری جهت احراز اینکه آیا قرارداد مورد بحث "مشخصاً" رسیدگی به دعاوی مربوطه (را) در ملاحت انصاری دادگاه‌های صالحه ایران ... "قرارداده و لذا حائز شرایط مقرر در بیانیه است یا خیر، تنها متن قیود ذیربسط قرارداد را در نظر می‌گیرد. ظابطه ای که دیوان داوری در اینجا به کار می‌گیرد اینست که آیا ماده خاص مربوط به حل و فصل اختلافات مندرج در فرارداد "به وضوح کافی شرایط مقرر در قید استثناء مندرج در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل ادعاهای را تامین نمی‌کند" (قرار اعدادی شماره آی . تی . ال . - ۶ - ۱ - اف . تی . ، و قرار اعدادی شماره آی . تی . ال . - ۶۸ - ۲ - اف . تی .). بدیهی است که شروط مربوط به حل و فصل اختلافات مندرج در قراردادها، از نظر عبارت کم و بیش متفاوت بوده، و تنها یک عبارت مشخص نیست که ظابطه "وضوح کافی" را تامین کند.

در این رابطه، بین عبارتی که طرفین را ملزم به ارجاع کلیه اختلافات ناشی از قرارداد به دادگاه خامسی می‌کند، و عبارتی که صرفاً "بر ملاحت موجود چنین دادگاهی صحه می‌گذارد، تفاوت آشکاری وجود دارد. با اینکه ماده ۱۳ (و) قرارداد فروش، محاکم ایران را جهت حل و فصل اختلافات ناشی از قرارداد صالح می‌شناسد، ولی ماده مزبور سایر دادگاه‌ها را غیر صالح ندانسته و یا ملاحت را منحصر "به دادگاه‌های ایران محدود نمی‌کند. بنابراین، ماده ۱۳ (و)، شرایط مقرر در قید استثناء مندرج در بند ۱ ماده دوم بیانیه حل و فصل دعاوی را احراز نمی‌کند.

بنابراین، دیوان داوری بر این نظر است که ماده ۱۳ (و) قرارداد فروش فیما بین آیتل و سازمان تامین اجتماعی ایران مشمول قید استثنای مرجع رسیدگی مندرج در بند ۱ ماده دوم بیانیه حل و فصل دعاوی نمی‌شود. در نتیجه، این ماده از قرارداد سالب ملاحت دیوان داوری جهت رسیدگی به دعاوی

مبتنی بر قرارداد یاد شده ، نیست .

ب - قرارداد تعمیر

ماده ۹ (الف) قرارداد تعمیر فیما بین آیمک و سازمان تأمین اجتماعی ایران به شرح زیر مقرر می دارد :

"این قرارداد تابع قوانین ایران است و هرگونه اختلاف نظر یا ادعائی که از لحاظ مفاد آن به عمل آید به محاکم ایران ارجاع خواهد شد ."

ماده ۹ (الف) که طبق شرایط مندرج در آن مشخصا "برای محاکم ایران صلاحیت انحصاری قائل میشود، آشکارا مشمول قید استثنای مرجع رسیدگی مندرج در بند ۱ ماده دوم بیانیه حل و فصل دعاوی می گردد. با این حال، خواهان استدلال کرده است که قرارداد فروش قرارداد تعمیر و ضمانتنامه های صادره به موجب دو قرارداد مزبور، با یکدیگر ارتباط متقابل داشته، و طبق مفاد قرارداد فروش، هر گونه پرداخت به موجب ضمانتنامه قرارداد تعمیر، مستلزم تقلیل مبلغ ضمانتنامه قرارداد فروش بوده و هرگاه سازمان تأمین اجتماعی کل مبلغ ضمانتنامه قرارداد تعمیر را مطالبه کند بدون اینکه به موازات آن مبلغ ضمانتنامه قرارداد فروش را تقلیل دهد، نه تنها قرارداد تعمیر، که قرارداد فروش را نیز نقض کرده است. خواهان بر اساس این تئوری، مدعی است که دیوان داوری، که صلاحیت رسیدگی به ادعاهای آیتل ناشی از قرارداد فروش را دارد، جهت رسیدگی به ادعای آیتل در رابطه با اقدام خواندگان به مطالبه ضمانتنامه قرارداد تعمیر نیز صلاحیت دارد، زیرا ادعای مزبور مستقلانه از قرارداد فروش و هم از قرارداد تعمیر ناشی شده است .

دیوان داوری با این نظریه موافق نیست. هر چند هم قرارداد فروش و هم قرارداد تعمیر مربوط به دستگاههای کامپیوتری واحدی می باشند، ولی این

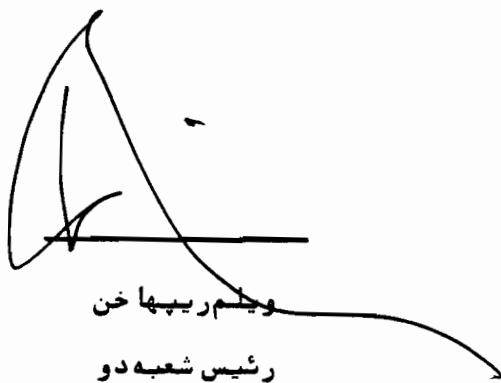
دو قرارداد، قراردادهای متمایز و مستقلی بوده و بین طرفهای مختلفی منعقد شده که هر یک از آنها ضمانتنامه با نکی جداگانه ای جهت حسن انجام قرارداد تامین کرده است. در هر یک از قراردادها به صراحت قید شده که آن قرارداد حاوی "کلیه توافقهای" است که در خصوص موضوع قرارداد بین طرفین به عمل آمده است. هر گونه ادعای ناشی از ضمانتنامه با نکی و ضمانتنامه متقابل ذیربسط جهت تامین تعهدات آیمک طبق قرارداد تعمیر، منحمرما" مربوط به قرارداد تعمیر بوده، و تنها ضمن رسیدگی به تعهدات طرفین طبق آن قرارداد قابل رسیدگی می باشد. درست است که هرگونه برداشت از هر یک از ضمانتنامهای با نکی مستلزم آنست که مبلغ ضمانتنامه دیگر بهمان میزان کاوش یا بد، ولی این امر مستلزم این نتیجه کیری نیست که دو قرارداد به نحوی با هم تلفیق و قرارداد واحد را ساخته‌اند و چنین نتیجه کیری را نیز توجیه نمی کند.

بنابراین، دیوان داوری برای نظر است که ماده ۹ (الف) قرارداد تعمیر فیما بیان آیمک و سازمان تامین اجتماعی ایران مشمول قید استثنای مرجع رسیدگی مقرر در بند ۱ ماده دوم بیانیه حل و فصل دعاوی می‌شود و در نتیجه، دیوان داوری تا جاییکه ادعاهای مبتنی بر قرارداد تعمیر باشد، صلاحیت رسیدگی به آنها را ندارد.

خواهان همچنین استدلال کرده است که چون نه ضمانتنامه قرارداد تعمیر، و نه ضمانتنامه متقابل مربوط، حاوی هیچ قیدی که صلاحیت انحصاری را به دادگاههای ایران تفویض نماید، نیستند، لذا، دیوان داوری جهت رسیدگی به ادعاهای مربوط به ضمانتنامه های مزبور، صلاحیت دارد. لکن، دیوان داوری متذکر می شود که خواهان، طرف مستقیمی چه در ضمانتنامه قرارداد تعمیر و چه در ضمانتنامه متقابل نبوده، بلکه صرفا" طرف حسابی است که ضمانتنامه ها به نفع وی صادر شده است. با اینکه خواهان از دیوان داوری درخواست کرده که در رابطه با ضمانتنامه‌های یاد شده اقداماتی معمول دارد، ولی

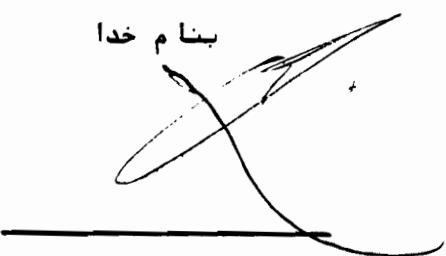
واضح است که ادعاهای وی در آن خصوص مبتنی بر قرارداد اصلی
تعمیم بوده ولذا خارج از ملاحت دیوان داوری است.

لاهه ، بتاریخ ۲۳ دی ۱۹۸۴ هجری
برابرال ترم ۱۳۶۳



ویلم ریپهای خن

رئیس شعبه دو



شفیع شفیعی

George H. Bush

درج اج. آلدريج

با بخشی از قرارمowa فق و با بخشی
دیگر مخالف